

E-ISSN: 2709-9369  
P-ISSN: 2709-9350  
[www.multisubjectjournal.com](http://www.multisubjectjournal.com)  
IJMT 2020; 2(1): 11-16  
Received: 18-11-2019  
Accepted: 21-12-2019

پوهندوی محمد ایوب اواب

دپيارتمنت ثقافت اسلامی  
پوهنځی انجنیري ساختمانی  
پوهنتون پولی تخنیک کابل

## بررسی مسؤلیت های مسلمان در رابطه به وقت در اسلام

پوهندوی محمد ایوب اواب

### خلاصه

وقت نفیس ترین و گرانبهاترین چیزی است که انسان دارد زیرا وقت ظرف هر عملی و هر تلاشی و هر چیزی است که انسان به دست می آورد بنابراین، وقت برای افراد و جامعه سرمایه ی حقیقی است. ارزش وقت از آن جا دانسته می شود که خداوند در قرآن کریم سوره یی را به نام العصر (وقت یا زمان) فرو فرستاده و در جاهای متعدد قرآن برای بیان اهمیت آن به وقت سوگند یاد کرده است و در احادیث نیز رسول الله صلی الله علیه وسلم اهمیت وقت را بیان نموده تاجای که در روز قیامت از عمر انسان به طور عموم و از جوانی او به طور خاص پرسیده می شود که در چه راهی سپری شده است و این موضوع نیاز به پژوهش و تحقیق دارد و موضوع این تحقیق را تشکیل داده است. این مقاله جهت دریافت ویژه گی های وقت به روش توصیفی کتابخانه آماده شده است. تا در نتیجه وقت که مهمترین چیز در زندگی انسان است و از ارزش والایی برخوردار است از آن در همه عرصه های زندگی استفاده بهینه نماییم و آن را بهر نسازیم. مقاله هذا بایان، نتیجه گیری و پیشنهادات و ذکر مأخذ پایان یافته است.

**واژه های کلیدی:** وقت، ویژه گی های وقت، ارزش وقت، سوگند، که در قرآن به وقت یاد شده

### مقدمه

قرآن کریم و سنت نبوی از جنبه ها و جهات متعدد و بصورت های گوناگونی توجه و عنایت به وقت نموده و آن را مورد عنایت قرار داده اند از جمله اهمیت وقت و بزرگی نعمت خداوند در آن ران بیان کرده اند، تا آنجا که قرآن از منتهی ارزشی داشتن وقت و بیان عظمت و فضل خدای بر انسان با اعطای آن سخن می گوید و چنین می فرماید: **(وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَانِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَأَتَاكُم مِّنْ كُلِّ مَّا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ)** (1: ابراهیم 33-34).

و در خدمت شما قرار داد خورشید و ماه تا هر دو همیشه در مدار خود در گردش باشند و به نفع شما و در خدمت قرار داد شب و روز را تا در شب بیاسائید و در روز به کار کسب پردازید و به شما داد از همه آنچه از او خواستید هر چه صلاح شما در آن بود و اگر بخواهید نعمت های خدا را بر شمارید نتوانید شمردن. جهانی به ابن عظمت برای مخلوقی ضعیف که آدمی باشد آفرید و در خدمت او قرار داد. و باز هم می فرماید: **(وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خُلْفَةً لِّمَن أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا)** (1: فرقان 62).

او کسی است که شب روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای آنانی که بخواهند متذکر شوند و یا شکر گذاری کنند.

یعنی شب را جانشین روز و بدنبال آن قرار داده و روز را جانشین شب و بدنبال آن قرار داده است پس هر کس کار کردن در یکی از آن دو را از دست بدهد می کوشد آن را در دیگری جبران نماید. و برای نشان دادن اهمیت وقت و بیان آن خداوند در آغاز سوره های مکی به اجزای معنی از آن سوگند یاد کرده است مانند: (لیل) روز (نهار) بامداد (فجر) و چاشت (ضحی) و عصر همان گونه که می فرماید: **(وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ)** سوگند به شب در آن هنگام که جهان را بپوشاند و سوگند به روز هنگامی که تجلی کند و آشکار و ظاهر گردد.

بدیهی است که مفسران و مسلمانان بر این باورند که هرگاه خداوند بچیزی از آفریده هایش سوگند یاد می کند بدان جهت است که انظار و توجه بندگان خود را بدان جلب کند و آنان را متوجه بزرگی منافع و آثار آن گرداند.

سنت نبوی صلی الله علیه وسلم نیز بر اهمیت وقت و ارزش آن تاکید می کند و مسؤلیت انسان در برابر زمان و وقت و بازخواست از آن، در پیشگاه خداوند و در روز رستاخیز را مقرر می کند **تُرْوَلُ قَدِمًا عَبْدٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّىٰ يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ**

Corresponding Author:

پوهندوی محمد ایوب اواب  
دپيارتمنت ثقافت اسلامی  
پوهنځی انجنیري ساختمانی  
پوهنتون پولی تخنیک کابل

## پیشینه تاریخی موضوع

درمورد ارزش وقت در اسلام آثاری نوشته شده است اما اهمیت موضوع نیاز تحقیق بیشتر را می نماید بنا براین خواستم مقاله ای در این مورد تحریرنمایم تا باشد نیازمندی کسانی که به این موضوع علاقمندی دارند مرفوع گردد از آثاری که درمورد تحریرگردیده است کتاب (ارزش وقت در اسلام) است که به زبان عربی نوشته شده است و در نوع خویش یک کتاب ارزشمند و خواندنی است اما جوانب مختلف موضوع به تحقیقات بیشتر نیاز دارد و در این مقاله بررسی می گردد.

## اهداف تحقیق

این مقاله که درمورد بررسی وقت در اسلام تحریرگردیده است در پی تحقق اهداف ذیل هستم:

- 1- شناخت دیدگاه اسلام درمورد ارزش وقت در اسلام.
- 2- شناخت ویژه گی های وقت

## روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله توصیفی کتابخانه یی است درنگارش آن از کتب معتبر علمی استفاده نموده ام موضوعات را با دلایل آن از قرآن و احادیث نبوی مورد بحث و بررسی قرار داده ام.

## خصایص و ویژگی های وقت

وقت از خود ویژه گیهای دارد که بدان شناخته می شود و بدون شناخت آنها دانستن ارزش وقت و استفاده درست از آن دشوار است و وقت گران بها و سرمایه حیات به هدر خواهد رفت و انسان خسران خواهد دید بر ما واجب است که این ویژگی ها را به درستی دریابیم و متوجه آنها باشیم و در پرتو این ویژگی ها با وقت و زمان بر خورد کنیم از جمله :

**سرعت انقضا و سپری شدن وقت:** وقت چون ابر به سرعت می گذرد و چون باد تند روی روان است خواه وقت شادی و خوشی باشد و یا وقت و زمان اندوه و درویشی و پیریشان حالی اگر چه صاحب وقت چنان می پند دارد که ایام و اوقات شادی و خوشی با سرعت بیشتری از ایام و اوقات غم و اندوه می گذرد و اوقات ناراحتی و نگرانی بکندی و سنگینی سپری می شود ولی این درحقیقت چنین نیست و این پندار شخص است. و به هنگام مرگ سالها و دهه هایی که انسان در آن زیسته است بهم می آیند و تنگ می شوند تو گوئی که لحظاتی بوده اند که چون برق جان تند و سریع گذشته اند.

از نوح علیه السلام حکایت می کنند که بعد از گشت بیش از یک هزار سال پیش از طوفان و بعد از آن در آن زیسته بود و فرشته مرگ و ملک الموت نزد وی آمد تا بوی اعلام کند که اجل وی فرا رسیده است و باید جان وی را بگیرد ، پس از وی سوال کرد: ای کسیکه بیش از همه انبیاء زنده گی کرده ای دنیا را

تاجانیکه در سوال اصلی و مهم از چهار سوال پرسش اساسی که در روز قیامت متوجه هر مکلفی خواهد شد سوال از وقت اختصاص دارد: (لا

خِصَالٍ: عَنْ عُمَرُهِ فِيمَا أَفْنَاهُ؟ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ؟ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ؟ وَعَنْ عِلْمِهِ مَاذَا عَمِلَ فِيهِ) (6:6).

در روز رستاخیز هرگز گمهای بنده خدا از میدان محاسبه تکان نمی خورد تا اینکه او را از چهار خصلت سوال کنند: اول اینکه عمر و اوقات زندگی خود را در چه چیزی فنا کرده و دوم از جوانیش که در چه راهی به پیری رسانیده و سوم از مالش که آن را از کجا و از چه راهی بدست آورده است و در چه راهی و چه گونه آن را خرچ کرده است و چهارم از علم و دانشش که بآن چه کاری کرده است.

همچنان پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: (اغْتَنِمْ خُمْسًا قَبْلَ خُمْسٍ: شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ، وَغِنَاكَ قَبْلَ فُقْرِكَ، وَفِرَاعَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ، وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ) (2:2).

پنج چیز را پیش از پنج غنیمت دان جوانیت را پیش از پیری از پندرسیت را پیش از بیماریت و بینازیت را پیش از فقرت و اوقات فراغت را پیش از اشتغال و زندگی را پیش از مرگت.

همچنین انسان بطور کلی درباره عمرش خصوصاً درباره جوانیش مورد سوال و بازخواست قرار می گیرد و جوانی خود جزئی است از عمر و زندگی ولیکن دوره جوانی باتوجه به اینکه سن زندگی جوشان و سرشار از عزم و اندیشه نافذ و مرحله و دوره قدرت و نیرومندی بین دوزضع و سستی (کودکی و پیری) است داری ارزش ویژه و ممتازی می باشد همانگونه که خداوند فرموده است: (اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشِبْهَةً) (1: روم: 54).

خداوند همان کسی است که شما را از چیزی سراپا ضعف سستی آفریده است و سپس بعد از این ضعف و ناتوانی قوت و قدرت بخشیده است و آنگاه ضعف و پیری را جاگزین این قوت و قدرت بخشیده است و آنگاه ضعف و پیری را جاگزین این قوت و قدرت ساخته است آخر هر چه که خداوند بخواهد می آفریند.

اینها همه بیانگر ارزش و اهمیت وقت است که به طور مختصر و فشرده بیان شد؛ پس حال بر ما است تا از وقت خویش به طور درست در قالب یک برنامه ریزی دقیق استفاده بهینه نماییم.

اهمیت موضوع: مهمترین چیز در زندگی انسان که از ارزش و الایی برخوردار است، وقت می باشد؛ که در واقع شیرازه حیات ما را تشکیل می دهد ارزش وقت از آن جا دانسته می شود که خداوند در قرآن کریم سوره یی را به نام العصر « وقت یا زمان» فرو فرستاده و در جاهای دیگری از قرآن، به برهه هایی از زمان اشاراتی داشته است و در جای جای قرآن برای بیان اهمیت آن ، به آن قسم یاد کرده است.

چونه یافته ای؟ گفت: چون سرای دو در که از یکی آن داخل شدم و از دیگری بیرون آمدم. (7: 21).

این حدیث بیانگر یک حقیقت ثابت و مسلمی است که عمرها و ایام گذشته بهنگام مرگ کوچک و کوتاه به نظر می آیند و به هنگام رستا خیز ایام گذشته و آنچه را انسان از دست داده است کوتاه و حقیر بنظر می آیند تا جایی خداوند می فرماید: **(كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا) (1: نازعات: 46).**

آن ها در آن روز که رستاخیز رامی بینند چنین احساس می کنند که گویی توقف آن ها در دنیا و برزخ جز عصری یا صبحگاهی بیشتر نبوده است.

به قدری عمر کوتاه دنیا به سرعت می گذرد و برزخ نیز زود طی می شود بهنگام رستاخیز فکرمی کنند که چند ساعتی بیش نبوده است. و در آیت دیگری فرماید: **(وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمُ كَأَن لَّمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ...)(1: یونس: 45).**

و روزیکه خداوند آنها زنده می گرداند و در میدان محشر گردشان می آورد چنان هول و هراس می گیرند و گذشته را ناچیزی دانند که گویا در دنیا نمانده اند مگر ساعتی از روز همدیگر را می شناسند.

**1- عدم برگشت:** و این هم یکی دیگری از ویژه گی های وقت است پس هر روزی می گذرد و هر ساعتی سپری می شود و پایان می یابد و هر لحظه ی که می رود نه امکان بازگشت دارد و نه می توان آن را با چیزی معاوضه کرد و اینست که حسن بصری با سخن رسای خویش تعبیر نموده است: **(هیچ روزی نیست که سپیده بدمد و ندانی سر ندهد و انسان را مخاطب خود نسازد که: ای فرزند آدم، من مخلوق تازه ای هستم و بر عمل تو گواهم پس از من توشه ای ببندوز زیرا چون بگذشتم هرگز تا رستاخیز بر نخواهم گشت).** (7: 22).

**سرمایه حیات:** با توجه به اینکه وقت زود گذر است و گذشته ی آن هرگز بر نمی گردد و هیچ چیز جای آن را نمی گیرد و عوض ندارد پس وقت نفیس ترین و گرانبهارترین چیزی است که انسان دارد زیرا هر عملی و هر تلاشی در قالب «وقت» صورت می گیرد وقت ظرف هر عملی و هر تلاشی و هر چیزی است که انسان به دست می آورد، در لابلای ثانیه های عمر است بنابراین، وقت در واقع چه برای افراد و چه برای جامعه سرمایه ی حقیقی است.

وقت نه تنها طلا است آنگونه در در مثل بر سر زبانها است بلکه در حقیقت و نفس الامر از طلا و لؤلؤ و الماس و از هر گوهر گرانبها و ارزشمند و از هر سنگ قیمتی گرانتر و باارزشتر است. به راستی وقت به گفته شهید حسن البنا زندگی است انسان جز وقت چیزی دیگری نیست. (4: 122).

طلا رامی توان ذخیره کرد و هم می توان دوباره به دست آورد، در حالی که زمان را، نه می توان دوباره به دست آورد و نه ذخیره کرد، تمام فنون و تکنیک های مطرح شده در علم موفقیت، بر تحقق اهداف در کوتاه ترین زمان و با کمترین هزینه تاکید دارند و در تمام آن ها دو محور اصلی و اساسی

قابل توجه داده شده است: شناخت آفت های زمان، راه های مبارزه با آفات زمان.

حسن بصر رحمة الله علیه گفته است: **(ای فرزند آدم تو جزء مجموعه ای از ایام نیستی پس هر گاه روزی گذشت بعضی و برخی از تو گذشته است!)** (7: 23). انسان زمانی قدر وقت را می داند که بدان دسترسی ندارد مانند ساعات و لحظه ای که اجلش فرا می رسد یا آن هنگام در آخرت که جزای اعمال را می دهند آرزوی یک لحظه عمر می کند برای جبران گذشته ولی هیاهات هیاهات. (7: 27).

کسانی که با مشغول کردن خود به کارهای بیهوده می گویند ما می خواهیم وقت کشتی کنیم! و این بیچارگان بینوا نمی دانند که هر کس وقت خود را بکشد به حقیقت خویشتن را کشته و نفس و زندگی خویش را از میان برده است و این خود کشتی تدریجی است.

**مسئولیت مسلمان در قبال وقت:** اولین و مهمترین وظیفه ی انسان مسلمان در برابر وقت خویش آن است که آن را حفظ کرده و مراقب و مواظب آن باشد، باید بیشتر از مال از وقت مراقبت کرد زیرا مال دوباره به دست می آید ولی وقت بازگشت ندارد. باید از آن در مواردی که به سود سعادت خود و رشد و ترقی روحی و مادی آن باشد صرف کند و از آن بهره گیرد. هر گاه روزی از عمرم بگذرد و از آن هدایتی برای خود کسب نکرده و در آن عملی به دست نیاورده باشم آن روز از عمر من به شمار نمی رود. کسی که عمر و اوقات زندگی خود را بیهوده تلف کند و به پوچی گذراند، به تحقیق او حق زمان خویش را به جا نیاورده و به خویشتن ستم و جور کرده است. (7: 29).

**استفاده ی درست از وقت:** یکی از شاخصه های مهم و اصلی زندگی عالی، به بهتر مدیریت نمودن زمان و فرصت ها بر می گردد. به طور اساسی کسانی که در زندگی خود حرفی برای گفتن دارند و توانسته اند به موفقیت های قابل توجهی دست یابند، از فرصت های خود به نحو مطلوب استفاده نموده اند. بدین علت است که به گفته بسیاری از بزرگان، در نزد اصحاب حقیقت، فوت زمان و فرصت، از فوت شدن روح و جان سخت تر است؛ چرا که فوت روح، سبب جدایی از خلق است و فوت فرصت، جدایی از حق می باشد. لذا ارزش هر نعمتی آن گاه بر انسان آشکار می شود که از دست برود. غنیمت شمردن فرصت، به خصوص فرصت عمر، سفارش حضرت حق، و وصیت انبیا الهی است، در این فرصت است که می توان سینات را تبدیل به حسنات کرد، و زیبایی را به جای زشتی نشانند و نور را جانشین ظلمت نمود. اگر فرصت از دست برود و کار مثبتی انجام نگیرد و پیک مرگ از جانب خدا برسد و چراغ عمر به لحظه ی خاموشی وصل شود، جایی برای توبه باقی نیست و پشیمانی سودی نخواهد داشت. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

می فرمایند: (نِعْمَتَانِ مُعْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ: الصِّحَّةُ وَالْفَرَاغُ) (5: 88).

دو نعمت از نعمتهای خدا که بسیاری از مردم در آنها فریب خورده و قدرش را نمی دانند، تندرستی و اوقات فراغت است. چرا که اوقات همیشه فارغ و خالی باقی نمی ماند پس بایستی آن را با کارهای خیر پر نمود و هرکس نفس و دل خویش را به حق مشغول نکند، نفس و دلش او را به باطل مشغول می دارد. وقتی جوانی و بیکاری و ثروت هر سه با هم باشند خطرات اوقات فراغت بیشتر است. دلبستگی زن عزیز مصر به یوسف علیه السلام نتیجه ی اوقاتی بود که نمی دانست آنرا با چه پر سازد.

**انجام اعمال نیک:** برای مؤمنی که ارزش و اهمیت وقت را می داند شایسته و سزاوار است که وقت خویش را با کردارهای نیکو و افعال خیرپر سازد. سپری کردن وقت در انجام کارهای نیک آنچنان مهم و ارزشمند است که خداوند در قرآن به او دستور داده در انجام این امور بر دیگران پیشی و سبقت بگیرید، تعابیری همانند (سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ) (1: حدید: 21). به پیش تازید برای رسیدن به مغفرت پروردگارتان و یا (وَ سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ) (العمران: 133). و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان.

**اندرز از زمان:** شایسته است که مومن و مسلمان از مرور و گذشت ایام برای نفس خویش عبرت اندوزد و پندگیرد، زیرا روز ها و شب ها هر تازه ای را کهنه و هر دوری را نزدیک می سازد و عمر ها را در می نوردند و کودکان را پیر و پیران را بفنا و نیستی می کشاند. همانا مومن نباید از این شب و روز غافل باشد، بلکه باید به تفکر پردازد و عبرت گیرد که در آن برای صاحب دلان آیاتی هست.

انجام دادن هرکار در وقت آن: شایسته است که مؤمن و مسلمان بداند که هر زمان، وقتی چه چیزی را انجام می دهد و چه چیزی فراخور آن وقت است از عمل دل یا زبان یا دیگر اندام ها که درست آنرا جستجو کند. و در قیام بدان و انجام آن بکوشد تا هر چیز در جای خود واقع شود و با مقصود سازگار گردد و مورد قبول خدای عزو جل قرار گیرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند: (إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرَكُمْ نَفَحَاتٍ فَنَعْرَضُوا لَهُ، لَعَلَّهُ أَنْ يُصِيبَكُمْ نَفْحَةٌ مِنْهَا فَلَا تَشْفُونَ بَعْدَهَا أَبَدًا) (6: 233).

همانا پروردگارشما در روزگار شما بویهای خوش و وزشهای نیکو دارد خود را در معرض آنها قرار دهید و از آنها بهره بجوئید. **نگاهی به گذشته و آینده نیز ضروری و لازم است:** لازم است که انسان نگرش صحیح و درست و توجه به گذشته را داشته باشد تا از رویدادها و سر نوشت ملت های گذشته و سنت الهی درباره ی آنان پند و عبرت بگیرد چون گذشته ظرف رویدادها و گنجینه عبرت ها و اندرز ها است.

ضروری و لازم است که انسان نگاه و توجهی به آینده داشته باشد زیرا انسان بر حسب فطرت و طبیعتش به آینده بسته شده است و نمی تواند از آن غفلت کند همان طور که خدا به انسان

حافظه را داده تا با گذشته رابطه برقرار کند و او نیز قوه تخیل و مخیله را داده تا آینده را تجسم نماید.

اما نکته ی حساس و مهم این است که آدمی باید در حال زندگی کرده و تمام هم و غم خود را برای زمان حال به کار برد و تنها از گذشته عبرت و پند گرفته و در تلاش برای ساختن آینده باشد.

**تنظیم نظام زندگی:** اگر مسلمان بخواهد عمر وزندگیش با برکت باشد لازم است برابر با نظام روز مره ی زندگی در اسلام رفتار کند و برابر آن عمل نماید، نظام اسلامی ایجاب می کند که مسلمان بامدادان زود از خواب برخیزد و شامگاهان زود بخوابد. روز انسان مسلمان از پگاه و سپیده دم و حداقل پیش از طلوع خورشید شروع می شود.

یکی از بزرگان سلف گفته است: (در شگفتم از کسی که نماز صبح را بعد از طلوع خورشید می خواند که چگونه خداوند به وی روزی می دهد!) (7: 60).

مسلمان روز خود را با طاعت خدا آغاز می کند و نماز واجب و سنت خود را به جای می آورد و آنچه برایش مقدور باشد از اذکار مأثوره با موادی که از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شده است می خواند و از قسمتی از قرآن را می خواند و به کار حلال روزانه اش می پردازد که باید در تولید و آبادانی زمین و خدمت به مردم سهیم باشد و سر بار جامعه نشود و کار خود را به بهترین نحو وجدی انجام می دهد و باید سعی کند با زبان دست نصیحت و همکاری و مساعدت دیگران در روز برای خود صدقه ای ببیند. شایسته است که مومن روزانه اوقاتی را به مطالعه و خواندن اختصاص دهد تا بر دانش خویش بیافزاید.

مسلمان می تواند مدتی را به بازیها و سرگرمی های مباح پردازد به شرطی که به سایر حقوق او لطمه نزند.

بر مؤمن لازم است که همان عمر فاروق رضی الله عنه فرمودند: (حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَحَاسِبُوا وَرَبُّوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُرَبُّوا وَتَرَبُّوا لِلْعَرَضِ الْأَكْبَرِ، يَوْمَ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ) (9: 96).

خویشتن را به محاسبه بکشید پیش از آنکه شما را به محاسبه بکشند و خودتان اعمال خود را بسنجید پیش از آنکه شما را بسنجند.

این کار را در پایان هر روز، هر هفته، هر ماه یا هر سال انجام داده و خود را بازرسی و بازسازی کند

**اضرار عدم شناخت اهمیت وقت:** یکی از آفت های بزرگی که بسیاری از جوانان امروزی کشور ما با آن مواجه و روبرو هستند، همان غنیمت ندانستن فرصت است و بزرگترین آفت آن عدم توجه به بهترین و مهم ترین موقعیت های پیش آمده ی عمر ما می باشد. آنانی که در اقتصاد و یا تحصیل و یا حتی در عبادت و راز و نیاز الهی موفق بوده اند بدین جهت بوده است که از فرصت خویش کمال بهره و استفاده را نموده اند. بنابراین فرصت شناسی مسئله بسیار مهمی است که اسلام بر آن اصرار دارد، تا جائی که پیروزی در گرو فرصت شناسی است، گذشت

زمان و از دست رفتن فرصت‌ها بسیار سخت است، ولی سختی آن، زمانی بیشتر می‌شود که همراه ضرر و زیانی باشد. آن که می‌گذرد غصه گذشتن را می‌خورد، ولی آن که در مسیر خود زیانی را تجربه نموده و چوب غفلت خویش را خورده است بر دو مطلب حسرت دارد: اول: زمان از دست رفته؛ زیرا زمانی که از انسان رفته است دیگر باز نمی‌گردد و انسان حسرت و ندامت گذشته را می‌خورد. دوم: زیان به جا مانده، زیرا انسان با استفاده ننمودن از موقعیت‌های عمر خویش آینده‌ی خود را نیست و نابود می‌سازد. بنابراین در محاسبات دنیایی نیز اگر دو یا چند ضرر در کار باشد، ذهن آدمی اولویت را به آن ضرری می‌دهد که عظیم‌تر و جبران‌ش سخت‌تر باشد؛ پس چگونه است که از جبران خسارت بزرگ که در انتظار بدکاران است و عقوبت آن را پایانی نیست کوتاهی می‌شود؟ آن که به توفیق توبه نائل می‌آید باید بر این امر دقت داشته باشد که علاوه بر درخواست بخشش، تسریع در بخشش را نیز طلب نماید (11:95).

**علل اتلاف وقت:** یکی از دلایل اتلاف وقت به تأخیر انداختن است، امروز و فردا کردن‌ها و کارهای امروز را به فردا محول کردن انسان را دچار تأسف و حسرت می‌کند. و هر که فرصت مناسبی را از دست بدهد، باید اطمینان داشته باشد که وقت دیگر به دست نمی‌آید. از کوتاهی کردن به هنگام فراهم آمدن فرصت پرهیز شود، این میدانی است که به زیان اهل خود جریان دارد.

بیکاری: از دیگر عوامل تضییع وقت بیکاری است، انسان‌های بیکار که به هیچ فعالیتی مشغول نیستند، موفق نمی‌شوند و هر لحظه در حال از دست دادن فرصت‌ها هستند و یا پرداختن به کارهای بی‌اساس و بی‌فایده و از دیگر موارد از بین رفتن فرصت‌ها پرداختن به کارهای غیر اساسی است از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: (مَنْ حَسُنَ إِسْلَامَ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَعْنِيهِ) (8:1315).

از خوبی‌های مسلمانان فرد است، ترك کردن آنچه را که نه مورد توجه اوست، نه به او ربط دارد و نه وابسته به کارش است. عمرو بن میمون رضی الله عنه از پیامبر علیه السلام روایت نموده است که برای مردی گفت: (اَعْتَبِمُ خُمُسًا قَبْلَ خُمُسٍ: حَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ، وَفِرَاعَكَ قَبْلَ شِعْلِكَ، وَغَنَّاكَ قَبْلَ فُقْرِكَ، وَشَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سَقَمِكَ) (9:77).

**خواب زیاد:** خواب زیاد فرصت‌ها را کم می‌کند و انسان را از انجام فعالیت‌ها باز می‌دارد.

**به گذشته‌ها پرداختن:** از دیگر مواردی که باعث می‌شود انسان دچار خسارت شود فکر کردن به گذشته است. از گذشته باید درس گرفت، اما نباید اندوهناک بود و غصه خورد و باید آن را رها کرد؛ انسان باید از گذشته درس بگیرد، در زمان حال زندگی کند و به آینده فکر کند.

**استفاده از تندرستی:** انسان تندرست فرصت‌های بیشتری دارد و بهتر می‌تواند فعالیت کند و به انجام کارهای مختلف بپردازد. امام حسن می‌فرمایند: (با تن سالم در مدت عمر خود به عمل شتاب کنید) (3:243).

در اسلام هر چیزی که عمر انسان را به بطالت هدر دهد، ناپسند است. اسلام برای پیشرفت انسان‌ها ارزش بسیاری قائل شده است. انسان برای رشد و تعالی خود باید از تمام فرصت‌ها بهره ببرد.

در قرآن آمده است: (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولادتان شما را از ذکر خدا به خود مشغول ندارد، که اگر چنین کند، زیانکار است) (1: منافقون: ۶۳).

## نتیجه گیری

1. با توجه به مباحث مطرح شده‌ی در این مقاله این نتیجه را می‌گیریم که اسلام به عنوان یک دین کامل و جامع و با برنامه‌های نمونه‌ی که دارد، توجه شایانی به بهره‌گیری بیش از حد فرصت و وقت داده است. بدین جهت اگر انسان بهره‌ی وافی و کافی از فرصت و وقت ذخیره‌ی خویش نبرد، دچار خسران و ضرر بزرگی شده است. بنابراین در محاسبات دنیایی نیز اگر دو یا چند ضرر در کار باشد، ذهن آدمی اولویت را به آن ضرری می‌دهد که عظیم‌تر و جبران‌ش سخت‌تر باشد؛ پس چگونه است که از جبران خسارت بزرگ که در انتظار بدکاران است و عقوبت آن را پایانی نیست کوتاهی می‌شود؟ آن که به توفیق توبه نائل می‌آید باید بر این امر دقت داشته باشد که علاوه بر درخواست بخشش، تسریع در بخشش را نیز طلب نماید.
2. شایسته است هر مسلمان بداند که هر زمان وقت چه چیزی را ایجاب می‌کند و چه چیزی فراخور آن وقت است از عمل دل یا زبان یا دیگر اندام‌ها که درست آنرا جستجو کند و در قیام بدان و انجام آن بکوشد تا هر چیز در جای خود واقع شود و با مقصود سازگار گردد و مورد قبول خدای عزوجل قرار گیرد.
3. لازم است مؤمن خود را محاسبه نماید و اعمال خود را بسنجد و این کار را در پایان هر روز، هر هفته، هر ماه یا هر سال انجام داده و خود را بازرسی و بازسازی کند.
4. لازم است که انسان نگرش صحیح و درست و توجه به گذشته را داشته باشد تا از رویدادها و سرنوشت ملت‌های گذشته و سنت الهی درباره‌ی آنان پند و عبرت بگیرد چون گذشته ظرف رویدادها و گنجینه عبرت‌ها و اندرزها است و نکته‌ی حساس و مهم این است که آدمی باید در حال زندگی کرده و تمام هم و غم خود را برای زمان حال به کار برد و تنها از گذشته عبرت و پند گرفته و در تلاش برای ساختن آینده باشد.
5. عمر انسان بسیار باارزش است، بسیاری از چیزهای از دست رفته را می‌توان دوباره به دست آورد، اما عمر از دست رفته باز نمی‌گردد و هر که فرصت مناسبی را از

دست بدهد، باید اطمینان داشته باشد که وقت دیگر به دست نمی‌آید.

6. مشغول شدن به کارهای بیهوده نه تنها وقت کثی چنانچه بعضی ها می گویند بلکه در حقیقت خویشتن را کشته و نفس و زندگی خویش را از میان برده است و این خود کثی تدریجی است.

7. قبل از این که دنبال راهکارها باشیم، ابتدا باید چالش‌هایی را که فرا روی ما قرار دارد و به طور خواسته و ناخواسته باعث هدر رفتن وقت‌مان می‌گردد، بشناسیم

#### پیشنهادات

جهت استفاده بهتر از وقت خویش از راه کارهای زیر استفاده بهینه نماییم

1. در اول هر هفته، لیست کارهایی را که می‌خواهید در طول هفته انجام دهید تهیه و اولویت‌بندی نموده تشخیص نمایید که کدام کارها را در قدم اول، دوم و سوم باید انجام داد. سپس روزانه به آن مراجعه کنید.

2. باید بدانید که کار شما ارزش انجام دادن را دارد و یا اگر کسی دیگر کار شما را می‌تواند انجام دهد، به او بسپارید و کارهای هدر دهنده زمان را کم نمایید.

3. روی اعصاب خود تمرکز داشته باشید و در رابطه با وقت عجله نکنید و قبل از این که گوینده باشید، شنونده باشید.

4. در حالاتی که منتظر کسی یا کاری هستید، مطالعه نمایید یا چیزهای لازم را حفظ نمایید و وقت شناس (دقیق) باشید. کارهای اساسی روزمره خود را انجام دهید و امروز و فردا نکنید.

5. خواب‌های کوتاه روزانه داشته باشید، شب هنگام اگر کار خاصی چون مطالعه، حساب داری، مهمان نوازی و... ندارید، به وقت به رخت خواب بروید و اگر ممکن است زود آرام گرفته و بخوابید.

6. وقایع دلخراش و ناهنجاری را که برای تان رخ داده است را مکرراً به یاد نیاورید؛ چرا که باعث از بین رفتن وقت تان شده و در عین حال هیچ سودی برای تان ندارد؛ حتی بکوشید آن‌ها را فراموش کنید.

7. مزاحمین خویش را کم کنید و نیز به آنها بفهمانید که کارهای زیادی برای انجام دادن دارید، با هر کس، در هر مورد و در هر کجا صحبت ننمایند، ساعت و تقویم همراه خود داشته باشید تا در وقت ضرورت به دنبال شان نگردید، کارهایی را که قرار است فردا انجام دهید، طی یک لیست آماده نمایید؛ وقایع غیر مترقبه استثنا است.

8. قسمتی از وقت خود را همراه خانواده، دوستان و فرزندان تان سپری نمایید؛ البته در صورتی که کارهای مهم تری نداشتید.

9. باید بدانید موضوعاتی که به آن‌ها برمی‌خورید، چقدر وقت شما را می‌گیرد، تا از انجام کارهای بعدی خود داری

نمانید. و برنامه خویش را در صورتیکه صحیح باشد، به پیش ببرید؛ هرچند انجام آن دشوار باشد.

10. در بین اوقات خود فرق قایل شوید؛ مثلاً وقت مطالعه، تفریح، دید و بازدید، فکر کردن، فعالیت‌های اجتماعی و... را از هم باز شناسید.

فهرست مأخذ.

1. قرآن کریم.
2. ابن ابی شیبیه، أبو بکر عبد الله بن محمد. (1409 هـ ق). مسند ابن ابی شیبیه. ج 6- الرياض، دار الوطن، طبع: اول.
3. ابن شعبه، حسن بن علی حرانی. (1423). تحفه العقول عن الرسول بیروت، لبنان، مؤسسة الأعلمی ص 243.
4. ابو غده، عبد الفتاح (1391). أبو غده، عبد الفتاح (ب، ت) قيمة الزمن عند العلماء، حلب، مكتب المطبوعات الإسلامية، الطبعة: العاشرة.
5. بخاری، محمد بن إسماعیل. (1407). صحیح البخاری. ج 8، بیروت: دار ابن کثیر. طبع دوم.
6. طبرانی، سلیمان بن أحمد بن أبوب. (1415 هـ). المعجم الكبير، ج 20، ص 60، مكتبة ابن تیمیة، القاهرة، طبع: دوم. محقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي.
7. قرضاوی، یوسف. (1379). ارزش وقت در زندگی انسان، ص 22، عقب قصه خوانی، رحمت مارکیت، پشاور، پاکستان، انتشارات کتاب.
8. القزوینی، محمد بن یزید أبو عبدالله. (ب، ت). سنن ابن ماجه. ج 2. ص 1315، بیروت: دار الفکر تحقیق: محمّد فؤاد عبدالباقي.
9. مصنف ابن ابی شیبیه ج 7 ص 77. ابن ابی شیبیه، أبو بکر عبد الله بن محمد. (1409 هـ ق). الرياض، مكتبة الرشد. طبع: اول.
10. مودودی، سید ابوالاعلی. (1989). تفهیم القرآن، ج 6: ص: 475-476، پاکستان، منصوره، لاهور، دارالعروبه للدعوة الاسلامیه).
11. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار، 4، بیروت، دارالوفاء، چاپ دوم.